

(دیدار و گفتگو با مدیر اولین گالری تخصصی عکس در ایران)

۲۹۷

— در ابتدا بفرمائید که گالری راه ابریشم از چه تاریخی کارش را آغاز کرد و تاکنون چه نمایشگاه‌هایی را برگزار کرده است؟

گالری راه ابریشم کار خود را در آذر ماه ۱۳۸۰ با نمایشگاه عکس عباس کیارستمی شروع کرد. در سال اول برای تثبیت خود مهم‌ترین نام‌های عکاسی ایران را به نمایش گذاشتیم. اما بعد از مدتی که همه وجود گالری راه ابریشم را پذیرفتند توانستیم به خود اجازه دهیم که از کارهای عکاسانی که هنوز اسم و رسمی پیدا نکرده‌اند هم برای نمایشگاه‌های خود استفاده کنیم. بعد از کیارستمی در شش ماهه اول به ترتیب نمایشگاه‌های آثار عکاسانی همچون: بهمن جلالی — شادی قدیریان — مهران مهاجر — فریدون آو — صادق تیرافکن — زهره سلیمانی — کاوه گلستان — رضانوریختیار، زنده‌رودی، و چند عکاس اروپایی.

— با وجود تعدد گالری‌ها در جستجوی ارائه چه بودید؟ که این زحمت و راه دشوار را آغاز و تحمل می‌کنید؟

من همیشه به عکاسی علاقه زیاد داشتم. علاقه کلمه درستش نیست. قوی‌تر از آن است. دیدن هر عکس برای من لذت‌بخش است. در ضمن آدم خیلی خوش شانسی هم هستم چون دوستان خوبی مثل عباس کیارستمی و مینو صابری در به واقعیت نزدیک کردن آرزوی کار کردن

در زمینه عکس به من کمک کردند. عباس کیارستمی مشوق اصلی من برای این کار بود. انصافاً هیچ نفع شخصی در این کار نداشت چون هم با گالری‌های دیگری در داخل و خارج کار می‌کرد و هم اسم و رسم او همه درها را همیشه برایش باز می‌کند. ما اولین نمایشگاه راه ابریشم را با عباس کیارستمی شروع کردیم. دوست و همکار من مینو صابری که در زمینه ارتباط جمعی استثنایی است هم به من قول کمک داد و تا امروز با هم جلو آمده‌ایم. امروز مینو صابری و من مثل دو ستون این گالری هستیم و نبود هر یک از ما باعث از دست رفتن تعادل گالری است. خوش شانسی من به اینجا ختم نمی‌شود. پدرم هم از خیلی لحاظ کمک زیادی به من کرد و دوست و همسرم تورج اتحادیه هم انصافاً سنگ تمام گذاشت - کارگالری کارگروهی است گروه خانم صابری و من را دستیارمان کیارش قویدل به بهترین وجه ممکن تکمیل می‌کند. و سرانجام نکته اصلی این است که عکاسی معاصر ایران فوق‌العاده است.

همانطور که میدانید «راه ابریشم» تنها گالری تخصصی عکس ایران است. البته در زمینه عکاسی در بیست سال اخیر فعالیت‌های زیادی صورت گرفته، با وجود این بیننده ایرانی هنوز به ارزش و اهمیت عکس پی نبرده و به آن به عنوان هنر نگاه نمی‌کند ولی سطح کارهای عکاسان ایرانی آنقدر بالاست که جنبه منفی قضیه فانوی می‌شود. کاری که ما می‌کنیم، یعنی مجموعه گالری راه ابریشم و عکاسان ایرانی، به نوعی میلیتانتیسم و مبارزه‌جویی به حساب می‌آید!

۲۹۸

**— شنیدیم که اولین حضور یک گالری ایرانی با اقدام شما در بازار عکس پاریس صورت گرفته است. از بازار عکس پاریس برایمان بگوئید که چگونه و چه اهمیتی دارد؟**

Paris Photo مهم‌ترین بازار عکس دنیاست گالری‌های فرانسوی و خارجی از تمام دنیا در آن شرکت می‌کنند. امسال بیش از سی هزار نفر از آن دیدن کرده‌اند. عکس‌های مهم‌ترین عکاسان دنیا در آن به نمایش و فروش گذاشته می‌شود. محل برگزاری آن CARROUSEL DU LOUVRE است.

**— گالری راه ابریشم چگونه شرکت کرد و پاسخ اولیه آنها چگونه بود؟ وقتی که پذیرفته شدید و در آنجا حضور پیدا کردید چه احساسی داشتید؟**

سال گذشته یکی از کلکسیونرهایی که یک عکس شاد آفرین قدیران از مجموعه «مثل هر روز» را خریده بود به من گفت که در PARIS PHOTO شرکت کنیم. اسم برگزار کننده آن را داد و گفت: بگوئید از طرف من می‌آیید. من با او قرار گذاشتم و عکسهایی که در اختیار داشتم نشان



● صحنه‌ایی از نمایشگاه عکس پاریس



● آناهیتا قباثیان (عکس از تورج اتحادیه)

۳۰۰

دادم. او فوری گفت: شرکت کنید من پشتیبانان هستم! ما با علم به اینکه خود را در مقابل کار بزرگی قرار می دهیم، تقاضای شرکت دادیم و مورد قبول واقع شد. وقتی جواب مثبت را گرفتیم اول من از چند دست اندرکار سؤال کردم که آیا متقاضی زیاد بوده یا هر که تقاضا کرده شرکت هم کرده - که جواب این بود که متقاضی بیش از شرکت کننده بود. می خواهم بگویم تا این حد از خود مطمئن نبودیم! ولی فقط وقتی به آنجا رسیدیم فهمیدیم چه کرده ایم! یک گالری کوچک ایرانی، بدون تجربه، بدون قدرت پیش بینی و مقابله با تمام نکات و مسائل و مشکلات در کنار غول هایی که ده ها سال است در این زمینه کار می کنند!

#### — مشکلات گالری راه ابریشم برای شرکت در بازار عکس پاریس چه بوده است؟

شبی که عکسها را به دیوار زدیم من تا صبح نخوابیدم. یک عکس کوچک بود، یکی بزرگ. یکی رنگی بود یکی سیاه و سفید. یکی قاب داشت، یکی نداشت. دو سه نفر از دوستان و عکاسان برای به دیوار زدن و گرداندن غرفه کمکمان کردند ولی مسئولیت ما بود. یعنی گالری راه ابریشم.

هزینه های شرکت در Paris Photo خیلی زیاد بود. گرداندن غرفه ای که بیش از سی هزار نفر از آن دیدن می کنند شوخی نیست و نشان دادن عکس عکاسان ایرانی جایی که عکسهای استثنایی

دنیا نشان داده می‌شود می‌تواند تبدیل به کابوس شود. من یکی که وقتی متوجه کاری که کرده بودم شدم خیلی ترسیدم.

— چند نفر عکاس از ایران آثارشان با شما به پاریس برده شد؟ کی‌ها بودند و از هر کدام چند عکس؟

در واقع نمی‌دانستیم چه نوع کاری مورد توجه قرار خواهد گرفت، انتظار بازدیدکننده از ما چیست و در ضمن کار تمام عکاسانی که با ما کار می‌کنند فوق‌العاده است، عکسهای ۲۹ نفر را در غرفه چه روی دیوار چه در محلی انبار مانند گذاشته بودیم. غرفه ما خیلی شلوغ بود ولی دیگر رفته بودیم و راه برگشت نبود. اینست که هر چه عکس داشتیم نشان دادیم. کارهای عکاسان ایرانی سطح بالایی دارد حضور ما تازگی داشت از غرفه ما خیلی استقبال شد. قبل از رسیدنمان در چندین روزنامه و مجله معتبر و همچنین در سر مقالهٔ سیت PARIS PHOTO - به حضور «گالری از ایران» اشاره شده بود.

عکس‌های شادی قدیران هم در کنار مقالات چاپ شده بود. از جمله دلایل چاپ این عکس بخصوص این بود که شخصی که ما را به شرکت در PARIS PHOTO تشویق کرد نمایندهٔ یک شرکت دولتی معتبر فرانسوی است که عکس شادی قدیران را برای کلکسیون خود خرید. بعد از این خرید مجلهٔ BEAUX ARTS مقاله‌ای راجع به این عکس نوشت. همین عکس روی جلد اقلادو تا سه کتاب در آمده بود و خلاصه به نوعی معروفیتی پیدا کرده بود و چون جزء مجموعه ما بود از آن برای معرفی گالری استفاده کردیم.

— آیا اعمال نظر در مورد انتخاب عکس‌ها شد؟

موزه هنرهای معاصر یا بخش هنرهای تجسمی ارشاد پیشنهاد کرد عکس‌ها را بطور مجانی برای ما به پاریس بفرستد. ما هم با خوشحالی و قدردانی قبول کردیم چون پولهایمان تمام شده بود. البته چون راه ابریشم گالری خصوصی است نمی‌باید کمکی می‌گرفتیم ولی نمایشگاه‌های خصوصی متعددی تا به آن موقع با فرستادن کارها توسط این محل برگزار شده بود.

چند روز به نمایشگاه مانده خبر رسید که بعضی از عکسها اجازهٔ خروج نگرفته‌اند. تا آخرین روز من سعی کردم با گرفتن قراری از مدیریت موزه هنرهای معاصر مسئله را باز کنیم، طرفین با صحبت با همدیگر طرف مقابل را راضی کنند و با هم به نتیجه‌ای برسیم. هنرمندان و گالری‌ها یا سینماگرهایی که در ایران کار می‌کنند خودبخود تصاویری را نمی‌گیرند که قابل نشان دادن نباشد و همه رعایت می‌کنند من از این اعمال نظر خیلی متعجب بودم. اما تا همین امروز من موفق به



دیدار با مقامات موزه نشده‌ام که توضیحاتی بدهم و سؤالاتم را پرسم. من قبلاً در ایران کار نکرده بودم. لابد شیوه کار در اینجا اینطور است و من از مسئله دور هستم.

**— وقتی که با این شیوه روبرو شدید برای شرکت در این بازار عکس دچار تردید نشدید؟**

در این مرحله امکان تردید و بازگشت نبود. اجازه غروفه پرداخت شده بود، روزنامه و مجلات راجع به ما نوشته بودند و همه می‌گفتند: گالری‌ای از ایران می‌آید!

**— چه پاسخی به دیدارکنندگان و روزنامه‌ها داشتید؟**

به نمایش نگذاشتن عکسی که در رسانه‌های عمومی همه جا چاپ شده بود و در کاتالوگ خود PARIS PHOTO هم به عنوان نمونه عکس‌های ما چاپ شده بود بی‌معنی بود. به این لحاظ ترجیح دادیم این عکس را که در پاریس داشتیم روی دیوار بگذاریم. اما عکس سه نفر دیگری که اجازه خروج نگرفته بودند نشان ندادیم حداقل آن مجموعه را نشان ندادیم.

**— آثار چه عکاسانی از کشورهای دیگر امسال در بازار عکس شرکت داشتند؟**

آثار بزرگترین نام‌های عکاسی در Paris Photo بود. مثل مایکل آکرمن، رابرت کاپا، هانری کارتیه برسون، والکر اوآنز، تِن گلدین، ویلیام کلین، هلموت نیوتن و...

**— جمع‌بندی و دستاورد شما از این پروژه چیست؟**

با وجود کم و کاستی‌های فراوان، اتفاقات کوچک و بزرگ، حضور ما در PARIS PHOTO بسیار مثبت بود و امکان فوق‌العاده‌ای بود برای معرفی عکاسی ایرانی در سطح دنیا.

**— آیا گالری راه ابریشم سال آینده هم در بازار عکس پاریس شرکت خواهد کرد؟**

گالری راه ابریشم در صورت داشتن امکانات مالی و کارهای جدیدی لز عکاسان ایرانی حتماً سال آینده مجدداً در PARIS PHOTO شرکت خواهد کرد.

**— از برنامه‌های آینده گالری راه ابریشم در ایران بگوئید؟**

سیاست کار ما اینست که عکس را به عنوان یکی از مدرن‌ترین هنرهای معاصر داخل خانه‌ها، ادارات و شرکت‌های خصوصی ایرانی ببریم. در عین حال می‌خواهیم این پیغام را هم

برسانیم که دوره گلدان‌های گل، تپه‌های خاک کویری، خانه‌های روستایی و مناظری از فصول مختلف گذشته و هنر در مرحله دیگری قرار دارد. حتی اگر جنبه تجاری قضیه را هم نگاه کنیم عکسهایی که به قیمت صدها هزار دلار در بازارهای جهانی فروش می‌رود حاوی نکات دیگری است که ارزش آن را شکل می‌دهد. ما هم باید سر از لاک خود بیرون بیاوریم، ببینیم هنر دنیا در چه مرحله‌ای است.

#### نشر افق منتشر کرده است:

- پاگرد (رمان) / محمدحسین شهبازی / ۲۸۸ ص / ۲۹۰۰ تومان
- شهر شیشه‌ای (رمان) / پل استر / شهرزاد لولاچی / ۲۰۴ ص / ۲۰۰۰ تومان
- با من به جهنم بیا (رمان) / ناتاشا امیری / ۲۴۰ ص / ۲۲۰۰ تومان
- واقعیت و رویا (گفتگو با محمدمحمدعلی) / علیرضا پیروزان / ۲۸۶ ص / ۳۰۰۰ تومان
- در چشم تاریکی / محمدرضا گودرزی / ۹۶ ص / ۶۵۰ تومان
- فعلاً اسم ندارد / احمد غلامی / ۸۴ ص / ۶۰۰ تومان
- برادران جمال‌زاده / احمد اخوت / ۲۱۴ ص / ۱۵۰۰ تومان
- قدم بخیر مادر بزرگ من بود / یوسف علیخانی / ۱۰۲ ص / ۹۰۰ تومان
- دختران دلریز / داود غفارزادگان / ۱۵۸ ص / ۱۳۰۰ تومان
- ارواح / پل استر / خجسته کیهان / ۱۲۰ ص / ۱۰۰۰ تومان
- قاتل روباه است / الری کوین / خجسته کیهان / ۳۵۴ ص / ۳۰۰۰ تومان



نشر افق — دفتر مرکزی و فروشگاه شماره یک: تهران — خیابان انقلاب — خیابان ۱۲ فروردین

— خیابان شهید نظری (غربی) — شماره ۱۸۱ و ۱۸۳ تلفن ۴۴۱۳۳۶۷ — تلفکس ۴۴۱۴۲۸۵